

گفتمان دموکراسی 12 ساله شد

گامی برای گذار از تقلاهای ناکام به افکار سنجیده شده و کردار نجات بخش

وبسایت "گفتمان دموکراسی برای افغانستان" که به ابتکار جمعی از نویسندگان معتقد به دموکراسی در جهت دامن زدن به مباحثات محتوایی نظام مند در مورد دموکراسی، افق های گسترده نظری و مشکلات تطبیقی آن برای کشوری مانند افغانستان، نخستین بار در 18 می 2002 در فضای مجازی (آنلاین) شروع به نشرات کرد و اینک، دوازدهمین سال نشراتی اش را پشت سر می گذارد.

انتشار وبسایت گفتمان دموکراسی برای افغانستان، مقارن بود با یک خلسه و نشاط غیر طبیعی ای که از ورود "دموکراسی بازار" در کشور، بخش قابل ملاحظه لایه روشنفکری متعارف کشور را در خود فرو برده بود. این تحفه سیاسی غرب، همچون مائده آسمانی چنان نزد این جماعت تقدیس می شد که هر گونه حرفی در مورد پیش شرطهای استقرار آن، هرگاه بلافاصله نفرین نمی شد، دست کم ته مانده پُرمدعای روشنفکران کرسی نشینی پنداشته می شد که حال، دست تاریخ یک بار دیگر از آستین "جامعه بین المللی" بیرون شده است تا بی مصرفی نهایی شان را مسجل گرداند.

ناشران گفتمان بر این نظر بودند که دموکراسی وارداتی- دموکراسی بازار- تابعی از ژئواستراتژی یگانه ابرقدرت دوران بوده، باران پول و وفور تجمل، سرمایه مستعجلی است که در یک چشم بهم زدن پایان می یابد. دنیای ما جولانگاه یک انارشی قانونمند است، ملل متحد یک دولت بین المللی نیست، جامعه جهانی مسئول وجود ندارد، هر کشور به شمول افغانستان، باید خود از طریق حل خردمندانه و دموکراتیک معضلات داخلی و رفع موانع انکشافی اش، بقای خود را تضمین کند. تاسیس و جا افتادن یک نظام دموکراتیک، یکسره محصول آگاهی است. نخبگان عامل و حاکمی که دموکراسی را صرف به انتخابات محدود می سازند و از این طریق، قدرت انحصاری را قبضه می کنند، تا کنون در هیچ تجربه جهانی نتوانسته اند موید یک نظام دموکراتیک یعنی ممثل راستین حاکمیت مردم باشند. جامعه مدنی ای که پیشاپیش به اهمیت حیاتی دموکراسی معتقد نشده است و در طریق برپایی آن مبارزه نکرده است، با هیچ

معجزه ای نمی تواند در این مسیر از عقبگردهای تاریخی مصون باشد. پیشآهنگان روشنفکری که خود بر دقایق نظری و تطبیقی دموکراسی احاطه نداشته باشند، مانند همه نحلّه های سیاسی دیگر، در صد سال اخیر کشور، کار را به ناکامی و حتا فاجعه می کشانند. نهاد های دموکراتیک را نمی توان به یمن پولهای خارجی سرازیر شده و قشون خارجی ایجاد کرد. طرح دموکراسی را باید بر مبنای واقعیات تاریخی کشور و منابع ملی پیریزی کرد.

در نقطه مقابل، نوعی بند بازی نخبگان ادارهء فرد محور، میراث خوار پترزبرگ وجود داشت، که یک بار هم از ته دل تعهد شان را به همان دموکراسی اعتراف شده در قانون اساسی خود ساخته شان ابراز نکردند. این اداره که اصولاً می بایست به نهادینه شدن دموکراسی از طریق دامن زدن به یک گفتمان ملی مبتنی بر یک محور مشروع بپردازد، روز تا روز از طریق احکام ضد قانون اساسی و صدها راهکار فراقانونی دیگر، قانون شکنی را قاعده گردانیده و جامعه را به سوی دوباره قبیلّه یی شدن سوق می داد. سرانجام یک رژیم "انوکراسی"، یا حاکمیت نخبگان فاسد در لفافه دموکراسی، یعنی حاکمیت مردم، همه شاهرگهای حیاتی سیاست، اقتصاد، فرهنگ و امنیت را در سلطه می گرفت.

در غیاب یک جامعه مدنی راستین، دموکراتیک و مبارز، در آزمایشگاه سیاسی فرهنگ امپراتوری یک جامعه مدنی مستمری خوار، مشتمل از صدها "ان جی او"، حزب سیاسی، انجمن فرهنگی، انجمن زنان، اتحادیه های صنفی و... زاده شد که با تکرار گزینشی برخی شاه بیتهای لبرالی در عین رعایت همه خطهای قرمز و تابوها و احساس مسئولیت اصلی در برابر منبع تمویل کننده، به رنگینی برنامه های تلویزیونی داخلی و کنفرانسهای بین المللی در مورد افغانستان می افزودند.

با وجود انگیزه های پیچیده یی که در تداوم پروسه پترزبرگ و دموکراسی وارداتی مضمّر بود، دست کم در پایتخت و مراکز چند ولایت، فضای باز سیاسی و امکانات قانونی برای دایر کردن سمینارها و کارگاه ها و گسترش روز افزون رسانه های دیداری و شنیداری و تسهیلات چندین رسانه یی،

فرصت آن را برای نیروهای بدیل به وجود آورده بود تا دیدگاه های شان را در سطح وسیعی مطرح سازند. با چنین تشخیصی بود که وبسایت گفتمان دموکراسی برای افغانستان به مثابه یکی از منادیان دیدگاه های بدیل پا به عرصه وجود گذاشت.

چرا تذکار از سالگرد گفتمان؟

معمولاً نهاد های مطبوعاتی و رسانه یی، پس از هر یک سال، پنج سال و یا ده سال، به یادبود سال تاسیس شان می پردازند و ترازنامه ای از انتظارات و کار واقعی ای را که انجام داده اند، به اطلاع مخاطبان شان می رسانند. می دانیم که عدول از این قاعده مرسوم، شاید برای مخاطبان گفتمان اندکی سوال برانگیز باشد. دو عامل ما را به این کار واداشت: نخست مرحله جدیدی از دموکراسی وارداتی در افغانستان که با سیاسی گردانیدن قومیت، کمر به بربادی کشور و مردم بسته است، و دوم، لطف بی نهایت همکاران قلمی یی که در طول این مدت 12 سال با تلاش های خستگی ناپذیر شان روح ادامه کاری را در ما بیشتر از پیش تقویت می کرده اند.

فاجعه کنونی از آغاز قابل پیش بینی بود

شناخت دقیق بحران سیاسی جاری در افغانستان و دستیابی به طرق مؤثر مبارزه علیه نتایج شوم آن، انگیزه قوی این تذکار از تاریخ تأسیس گفتمان است. ما از همان آغاز کنفرانس پترزبرگ به این نظر بودیم که دموکراسی وارداتی یا "دموکراسی بازار"، راه حلی برای معضلات افغانستان نیست. گفتمان در یادداشتی به مناسبت انتشار ترجمه کتاب "دموکراتیک سازی جهان سوم پس از پایان جنگ سرد"، با عنوان "سیمای واقعی دموکراسی وارداتی در افغانستان" نوشت: «از نظر ما منشای گسترش شورشهای مسلحانه در افغانستان و عراق ... صرفاً سازش غرب با گروه های قدرتمند ناباب و یا فقدان یک ستراتژی جامع ضد شورشگری نه، بلکه در ذات دموکراسی بازار است که جز ارضای

خواست های تجملی لایه های معینی از طبقه متوسط، اساساً به مسأله اصلی، یعنی "دولت سازی" و توسعه همه جانبه انسانمدار، پایدار و حافظ محیط زیست این کشورها اعتنایی ندارد که ضامن قوامگیری وحدت ملی آن ها می باشد».

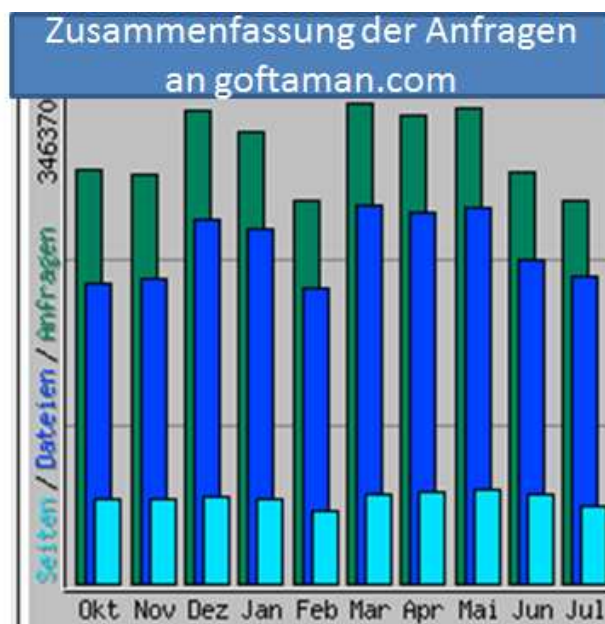
در همانجا ما، در مورد کنفرانس پترزگ که سر آغاز پروسه سیاسی جاری در افغانستان است، نوشتیم: «نقطه عزیمتی که در این کنفرانس شکل نهاده به خود گرفت و منجر به تشکیل کارتل قدرت – شرکت سهامی قدرت – شد، آن ادعا های ایدئولوژیک شده قومی بود که نیروهای عامل تفنگ بدست، علمبردارش بودند. همه مسائل دیگر در حاشیه این خواست مطرح شدند، و چه بسا اولویتهایی مانند دولت سازی، ملت سازی، امنیت، خلع سلاح و صلح مبتنی بر عدالت تقریباً بیرون از دستور جلسه ماندند.

«دموکراسی قبل از همه مسأله ای است که به دولت ارتباط دارد. در صورتی که دولتی وجود نداشته باشد، جامعه سیاسی نیز مطرح بوده نمی تواند و بنا بر این، حرف از دموکراسی بر زبان آوردن، جایی را نمی گیرد. ملت شدن و حق شهروندی نیز بدون یک دولت کار ساز و معتقد به دموکراسی ناممکن است.

«انتلاف حاکم یا شرکت سهامی قدرت که عمدتاً متشکل از نیروهای دولت گریز و ملیشه خو و شماری از نخبگان تحصیلکرده در غرب می باشند، به هیچ صورت نتوانسته اند از روابط افقی شان، یعنی از روابط گروه های خودی شان به نفع روابط عمودی یعنی ایجاد یک اقتدار مرکزی ملی بگذرند».

گفتمان، در چنین فضایی شروع به کار کرد و اکنون برای جلوگیری از نتایج مرگبار چنین سیاست های خانمان برانداز، می کوشد به سهم خود و به همت مخاطبان قلم بدست و اندیشمندان به ماموریتش ادامه بدهد. ادامه کاری مطلوب گفتمان فقط می تواند محصول کار های عمیق فکری در جهت نجات کشور باشد.

ترازنامه کاری گفتمان



Zusammenfassung nach Monaten

Tagesdurchschnitt			
Monat	Anfragen	Dateien	Seiten
Jul 14	10609	8200	1998
Jun 14	9850	7791	2151
Mai 14	11049	8714	2149
Apr 14	11253	8916	2185
Mai 14	11173	8793	2074
Feb 14	9848	7598	1862
Jan 14	10489	8254	1934
Dez 13	10973	8437	1982
Nov 13	9811	7285	2019
Okt 13	9617	6986	1967

Monats-Summe			
Monat	Seiten	Dateien	Anfragen
Jul 14	62474	221618	295869
Jun 14	64557	233737	295515
Mai 14	66620	270150	342520
Apr 14	65575	267480	337604
Mai 14	64277	272589	346370
Feb 14	52146	212693	275704
Jan 14	59954	255897	325170
Dez 13	61462	261549	340173
Nov 13	60597	218573	294359
Okt 13	60994	216580	298141
Summe	618656	2430866	3151425

1. مراجعان روزانه گفتمان 9617 تا 11253 نفر (Tagesdurchschnitt,)
(Dateien

2. مراجعان ماهانه گفتمان 295515 تا 346370 نفر (Monats-)
(Summe, Dateien

3. تعداد صفحات بازدید شده روزانه 1862 تا 2151
(Tagesdurchschnitt, Seiten)

4. تعداد صفحات بازدید شده ماهانه 52146 تا 66620 (Monats-) (Summe, Seiten)

آمار بالایی مربوط به ماه اکتبر سال 2013 تا ماه جولای سال 2014 است

5. شاعران و نویسندگانی که به طور منظم مطلب می فرستند 158 نفر
6. شاعران و نویسندگانی که به طور غیر منظم مطلب می فرستند 163 نفر
7. شمار مقاله های نشر شده 6931 عنوان
8. شمار شعر های نشر شده 650 قطعه
9. شمار کتابهای ادبی نشر شده 28 عنوان
10. شمار کتابهای سیاسی، اجتماعی و تاریخی نشر شده 34 عنوان
11. مطالب نشر شده به زبانهای آلمانی و انگلیسی 100 عنوان
12. مقالات منتشر شده اعضای هیئت تحریر گفتمان 690 عنوان
13. مقالات تحقیقی در مسائل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی 13 درصد

1- سهم اعضای هیئت تحریر در تهیه مطالب 10 در صد.

با توجه به اوضاعی که در بالا از آن سخن به میان آمد و اهدافی که گفتمان فرا رویش قرار داده بود، سهم ده در صد اعضای هیئت تحریر گفتمان در مجموع مطالب نشر شده و سهم ده در صد مقالات تحقیقی در مجموع نشرات گفتمان، پیشرفت غیر رضایت بخش کارما را در چشمرس قرار می دهد. مطالب منتشر شده دیگر، یا جنبه گزارشی داشته اند و یا صبغه ذوقی. بسیاری از این مطالب همزمان در سایتهای دیگر نیز انتشار یافته اند. به استثنای چند مجموعه شعری ترجمه شده از زبانهای اروپایی و برخی سروده های ناب شعرای کشور، انتشار بیشترین پارچه های شعری صرف جنبه تشویقی داشته است، نه ارزش هنری و یا ادبی. خلای همیشگی یک بخش فرهنگی و هنری پُرمحتوا و ارزشمند، کمبود مزمن نشرات گفتمان بوده و هست. گفتمان از نظر تخنیکی این امکان را مساعد نکرده است تا به ارزیابی دیدگاه مخاطبان بپردازد و زمینه تبادل افکار را در سطح گسترده تر به وجود آورد.

با همه اندک بودن نقش کمی اعضای هیئت تحریر در تهیه مطالب نشراتی گفتمان، مقالات تحقیقی منتشرشده آنها، بر علاوه پوشش دادن تحلیلی به همه رویدادهای 13 سال اخیر، مهمترین سرمشق های سیاسی و اقتصادی، پدیده ها، چالشها، فلسفه های سیاسی و اقتصادی و نهاد های مالی جهانی را مورد تحلیل و نقد قرار داده و در قبال همه آنها بدیل های نجات بخشی را ارائه نموده اند، که خود به دریافت آن نایل شده بودند.

شناخت صورتبندی های اقتصادی جامعه افغانستان، نقد دموکراسی وارداتی – "دموکراسی بازار" – ، نقد نیولبرالیزم در عرصه اقتصادی و سیاسی، تحلیل سازمانهای بین المللی مالی و اقتصادی و تاثیر آنها بر افغانستان، بدیل انکشاف اقتصادی پایدار مبتنی بر رفع نیازمندیهای اولیه مردم افغانستان در برابر مشی اقتصادی حاکم، رشد نیولبرال و اقتصاد بازار آزاد، بیم دادن مشرح از پایگاه نظامی شدن افغانستان و پیامدهای آن، طرح جامع برای رعایت حقوق بشر در افغانستان در قبال آشتی مرتکبان رنگارنگ جرایم ضد بشری در کشور، طرح جامع و حرفه یی برای اخلاق و مشی ژورنالیستی در عصر آنلاین و فضای مجازی و پیجویی کلامی نحلته های مختلف اسلام سیاسی از نمونه های آن به شمار می روند.

ترجمه و انتشار مجموعه کاملی از مقالات معتبر و دانشگاهی در مورد تاریخ و مکاتب مختلف دموکراسی، از سپیده دم تاریخ سیاسی بشر تا امروز، با هدف فراهم ساختن زمینه های تئوریک دامن زدن به یک گفتمان علمی دموکراسی، یکی از مهمترین کارهای اعضای هیئت تحریر بوده است.

تهیه گزارشهای دست اول از درون افغانستان و انتشار گالریهای عکس منحصر به فرد از اوضاع کشور، از دشوارترین و درعین زمان مؤثرترین کارهایی بوده است که اعضای هیئت تحریر انجام داده اند.

هیئت تحریر گفتمان که هرگز نمی خواهد قصور و کم کاری اش را کتمان کند، درعین زمان مایل نیست به اهمیت بخش مثبت کارش کم بها دهد.

اصولاً گفتمان خود را متعهد به دنبال کردن هدف اصلی اش یعنی دامن زدن به مباحثات محتوایی و نظام مند در مورد امکانات تحقق دموکراسی در کشور پسا-منارعه ای مانند افغانستان می دانست و می داند. این امر، مستلزم ایجاد یک فضای مناسب نشراتی برای کارهای تحقیقی در همه زمینه های جامعه افغانستان، به مثابه یک واقعیت سیاسی - تاریخی بود. با اینهم، روحیه پُرمدارای این سایت به زودی مورد استقبال طیفهای مختلف نویسندگان و اهل ذوق قرار گرفت. چنین وضعیتی که قبلاً از جانب دست اندرکاران مسئول گفتمان دقیقاً پیشبینی نشده بود، خواهی خواهی می توانست چالش انگیز باشد.

ارجگذاری به اندیشه دیگران و تشویق کسانی که احساس و عواطف شان را از راه قلم بیان می دارند، امری نبود که بتوان آنرا به سهولت نادیده گرفت. هیئت تحریر گفتمان، بار بار متوجه شده بود که در این زمره افراد پُر مطالعه و خوشفکری وجود دارند که با اندک تعمق روی انتخاب مضامین مورد نگارش شان و بکار گیری روش های تحقیقی علمی، پس از زمان کوتاهی خواهند توانست به عناصر تاثیر گذاری جهت آگاهی دادن به جامعه مبدل گردند. در عین زمان، در جامعه استبداد زده افغانستان که در سی و اند سال اخیر خشن ترین انواع استبداد را تجربه کرده است، بسیار اتفاق می افتد که انعکاس خشونت های جاری در جامعه، بازتاب کلامی داشته باشد و به هنگام نقد از پدیده ها و اشخاص، بدوی ترین اصول یک ژورنالیسم متعهد و رعایت انصاف در داوریه را پامال کند.

هیئت تحریر گفتمان با وجود اعتقاد خلل ناپذیر به اصول آزادی اندیشه و بیان و مکلف دانستن خود به فراهم سازی زمینه های گسترش این اصول، در قسمت انتشار مطالب رسیده در سایت، در سه کته گوری برخورد می نموده است:

الف، مطالبی که با و یا بدون همخوانی با مثنی نشراتی اصلی گفتمان، در کل، مؤید دموکراسی و صلح در افغانستان و جهان اند،

ب، مطالبی که مایه قوی دموکراتیک ندارند، در عین زمان اذعان صریح به اقتدار گرایی و انگیزه مشهود برای نفاق افگنی و برهم زدن صلح در افغانستان و جهان ندارند،

ج، مطالبی که موضع صریح ضد دموکراسی داشته اند و شماری نیز فاقد هرگونه پابندی به اخلاق ژورنالیستی بوده اند.

گفتمان، نوشته های گروه اول را با رغبت نشر کرده است، با گروه دوم اصل تحمل را روا داشته است و نوشته های کته گوری سوم را نشر نکرده است.

تاکنون فضای مجازی از هیچ قانون جهانروای ژورنالیستی متابعت نمی کند، از اینرو، هیئت تحریر گفتمان به منظور جلوگیری از اشتباهات و انحرافات اجتناب پذیر و رعایت اصول اخلاقی ژورنالیسم، از همان آغاز در چهارچوب "اصول بین المللی اخلاق حرفه یی در ژورنالیسم" مصوب کانون سازمانهای بین المللی و منطقه یی ژورنالیستها در نومبر 1983 عمل کرده است. این اصول، بر «حق مردم برای دسترسی به اطلاعات صحیح» تاکید می کند. از ژورنالیستها می خواهد تا یک «تصویر دقیق و همه جانبه از جهان بدهند و در نتیجه منشأ، سرشت و جوهر حوادث، پروسه ها و اوضاع را در حد امکان منطبق با واقعیتها» بشناسانند. چون اطلاع رسانی یک امر اجتماعی است «در همه اوضاع با یک آگاهی اخلاقی عمل کنند». راستکاری یک اصل ژورنالیستی است و این ایجاب می کند که یک ژورنالیست «در حرفه اش معیارات عالی راستکاری را پیشه سازد، به شمول اینکه حق ژورنالیست است که علیه اعتقاداتش عمل نکند، منابع اطلاعات را افشا ننماید... به حق مردم برای پاسخ دادن احترام بکند». «احترام به حق فرد در مصونیت حریم خصوصی و کرامت انسانی اش را رعایت بکند... از برچسپ زدن، بدنام کردن، اتهام ناروا بستن، به افتضاح کشاندن» اجتناب بکند. «معیارات حرفه یی ژورنالیستها در ارتباط با جامعه ملی ایجاب می کند که نهاد های دموکراتیک و اخلاق عامه مردم احترام گردد». ژورنالیستها «فعالانه در جهت بهبود دموکراتیک جامعه شرکت می کنند و از راه گفتگو در جهت فراهم ساختن یک جو اعتماد در مناسبات بین المللی که برای تأمین صلح و عدالت در همه جا مفید باشد، یعنی در راه تشنج زدایی، خلع سلاح و انکشاف ملی مساعدت می کند». ژورنالیستها وظیفه دارند «به امحای بیخبری و سوءتفاهم در میان مردمان کمک کنند و ملیتهای یک کشور را به نیازها و آرزوهای دیگران حساس گردانند، احترام به

حقوق و کرامت همه ملل و مردمان را بدون تفکیک نژاد، جنسیت، زبان، ملیت دین و یا فلسفه اعتقادی شان تأمین کنند».

چرا بازده کار ما اندک است؟

در آغاز کار، گفتمان برای پیشبرد پروژه کاری اش می توانست روی نسل روشنفکران کلاسیک کشور و جوانان حساب کند. با اینهم محاسبه ما مطابق به عینیت تحول یافته جامعه نبود:

آنچه ما روشنفکران کلاسیک می خوانیم، عبارت از شخصیت‌های صاحب نظری اند که در جریان زندگی پربار شان با استبداد و بی عدالتی مبارزه کرده اند و در این راه تجارب گرانبهایی در بخشهای مختلف حیات اجتماعی اندوخته اند. سزاوار ستایش و یاد آوری است که برخی از نفیس ترین کار های تحقیقی و ترجمه هایی که سوای مطالب تهیه شده توسط اعضای هیئت تحریر در گفتمان انتشار یافته اند، محصول کار ایشان است. سکونت پراکنده این اندیشه وران در مناطق مختلف جهان، نبود معرفت های حضوری، ناتوانی هیئت تحریر به ایجاد ارتباطات دایمی غیر حضوری و دهها مشکل دیگر موجب گردیده اند تا فیض قلم ایشان به حد کافی در گفتمان بازتاب نیابد. بخش اعظم نسل روشنفکران کلاسیک کشور که در سی سال گذشته متحمل دشوار ترین روزگار شده اند، یا در سنین پیشرفته به زندگی ادامه می دهند، یا در اثر پیری و مشکلات تأمین معاش، فراغت لازم برای این کار را ندارند، یا با اصول روشمند تحقیق انس ندارند، و یا اینکه چنان از التهاب نوستالژی کارزارها و آرمانهای تحقق نیافته ایام جوانی در سوزوگداز اند که در تجزیه و تحلیل علمی رخداد های مهم عینی جامعه امروزمین، حکمتی جستجو نمی کنند و مشارکت در تحولات گام به گام را که مضمون اصلی تاریخ است، واجد فضیلتی نمی دانند. طبعاً اینجا و آنجا با قلمهای شان بر پلشتیهای جامعه گستاخانه می تازند، اما خود بدیل نظری و عملی ای ارائه نمی کنند. دوران تحصیل و علم اندوزی نسل روشنفکر کلاسیک افغانستان به زمانی تعلق دارد که هنوز مجموع فارغان دانشگاه های افغانستان بین 3-4 هزار نفر در نوسان بوده است و امروز میانگین عمرشان بین 55 -

80 سال است. تسلط بر یک زبان مهم اروپایی در آن روز گار، امتیازِ منحصر به فردی بوده است.

برخی از تحلیل‌ها و ترجمه‌های خوب گفتمان محصول کار جوانان عزیز است. اما به تناسب کمیت و اهمیتی که این نسل در نجات افغانستان می‌تواند داشته باشد، سهم‌شان تا کنون در انتشار مطالب گفتمان بسیار اندک بوده است. در جریان سیزده سال اخیر، یک نسل جوان تحصیل‌یافته بسیار توانا در رشته‌های اختصاصی تحصیلی و نهایت مستعد برای راه‌گشایی، که با هیچ نسل ماقبلش قابل مقایسه نیست، به وجود آمده است. امروز افغانستان 31 دانشگاه دولتی و 75 موسسه تحصیلات خصوصیه دارد. مجموع دانشجویان مؤسسات تحصیلات عالی دولتی و خصوصیه در درون کشور به 250 هزار نفر می‌رسد. حدود 15 هزار دانشجو در مقاطع لیسانس، ماستری و دکتورا، در خارج کشور تحصیل می‌کنند. در حالیکه خوشبختانه فراگرفتن زبان انگلیسی و کامپیوتر در بین جوانان به یک نوع انگیزه نهایت قوی در سطح ملی مبدل شده است، در عمل، دیگر هیچ معذرتی برای استفاده از منابع معتبر خارجی نمی‌تواند وجود داشته باشد. هرگاه تنها 15 هزار دانشجویی که در خارج تحصیل می‌کنند و بسیاری‌شان به دقایق زبان‌های مروج در افغانستان وارد اند، هرگاه صرفاً پایان‌نامه‌های مقاطع تحصیلی‌شان را به زبان‌های مادری‌شان ترجمه کنند و به نشر بسپارند، خود یک تکانه فکری عظیم به وجود آورده می‌تواند. اما سوگمندان با سرازیر شدن صدها میلیون سرمایه خارجی در قالب مؤسسات "ان‌جی‌او" پی، با انحصار اکثریت این انجوها در دست نخبگان حاکم منفرد و یا تنظیمی، با تکرار رسانه‌های دیداری و شنیداری، با دسترسی نسبتاً گسترده به اینترنت و تسهیلات چندین رسانه‌پی، دیکتاتوری "صنایع فرهنگی" چنان ریشه دوانیده است که در غالب موارد، اصل تعهد به سرنوشت مردم، جایش را برای ارضای خواسته‌های فردی خالی کرده است. اضطرار اقتصادی بر این مشکل افزوده است. انحصار اکثر مشاغل دولتی و سازمان‌های غیر دولتی در دست نخبگان قدرت، بازار کار را کاملاً سیاسی ساخته و مجال مخالفت را محدود و حتا سلب کرده است. بنا براین، فقط یک راه را باز می‌گذارد و آنهم راه پیوستن به نزدیک‌ترین گروه قدرت، یعنی گروه هم‌هویت قومی است. به این ترتیب، در

غالب موارد، دیگر بدیل اندیشیدن محال شده، ذوق مطالعات عمیق و تحلیلهای روشمند مستقل برای نجات افغانستان از نکبت این وضع دشوار پژمرده است.

بحران عمیق و همه جانبه جاری که مسأله زندگی ملیونها هموطن و بقای کشور را به میان آورده است؛ ناتوانی نخبگان حاکم و حامیان خارجی شان حتا در یافتن یک راه خروج از جنجال انتخاباتی، حکم می کند که همه مردم و به ویژه تحصیل یافتگان جوان، هرچه زود تر موقعیت را در یابند و خود، راه نجات شان را جستجو کنند. تاریخ معاصر افغانستان برای آن شرح، به بحران رفتن همه نیات ترقیخواهانه است که پیشتازان جنبشها عمیقاً بر واقعتهای اجتماعی، اهداف و طرق پیاده ساختن مناسب اهداف شان اشراف نداشته اند. در عمل، همه سخت کوشیها و قربانیهای سنگین، به تقلا های ناکامی مبدل شده اند. برای جلوگیری از تکرار همچو فاجعه های جبران ناپذیر و تبدیل تقلا ها به اعمال سیاسی پیروزی آفرین و نجات بخش، نخست باید انتخاب راه را بر مبنای سنجش های گسترده و عمیق علمی انجام داد و در قالب گفتار (نوشتار) در آورد. آنگاه است که با اطمینان می توان به نتایج مبارزات در جهت یک تحول مثبت اجتماعی متیقن گشت.

پیشنهادها برای بارورتر شدن نشرات گفتمان

یکی از مهم ترین دلایل یاد بود ما از دوازدهمین سال نشراتی گفتمان، مصادف شدن آن با یکی از فراز های فاجعه بار پروسه دموکراسی وارداتی در افغانستان بود. از نگاه ما، این، فقط قلعه کوه یخی است که تازه از زیر بحر نمایان شده است. هرگاه اوضاع به همین منوال ادامه یابد، با هیچ خوشبینی بی هم نمی توان به آینده بهتر امیدوار بود. ما، در حقیقت، شاهد یک سلسله تعاملات و تحولات ویرانگری می باشیم که با جهانی شدن نیولبرال، همه کشورهای به حاشیه رانده شده، به شمول کشورهای پسا شوروی اروپای شرقی را فرا گرفته است. ما هر روز شاهد فروپاشی و به آشوب رفتن یک دولت دیگر به ظاهر مستحکم و مدرن هستیم. در کنار عامل قوی جهانی شدن نیولبرال، فساد اصلاح ناپذیر و سیاستهای غلط نخبگان حاکم، فقر فرهنگی و به ویژه، فقر فرهنگ دموکراتیک و نبود نگرش انتقادی به قضایا، عامل این مصیبتها می باشند.

در جنگل مناسبات بین المللی، یک دولت کارآ و جامعه مأمون و مرفه را در بشقاب طلایی نمی گذارند و به ملتهای رنجدیده تحفه نمی دهند. این "موهبت" فقط ثمره سعی و تلاش عملی و فکری خود، همان ملت و از همه اولتر اندیشمندان می باشد. متأسفانه ما اکنون از چنین موهبت محروم هستیم. هرگاه در آرزوی رسیدن به یک جامعه با ثبات هستیم، باید به خود آییم. یک گام به جلو گذاشتن در این راه هزاران فرسخی، بهتر از بی حرکتی است.

کار تحقیقی در مفهوم دقیق کلمه، یک امر پُر هزینه است. این، موجب شده است تا هم محققان و هم کارهای تحقیقی بیشتر در انحصار دانشگاه ها و موسسات پژوهشی بی باشند که خود این مؤسسات نیز یا در خدمت دولتها اند و یا نهادهای قدرت و سرمایه. نتایج تحقیقات نیز مانند هر کالای دیگر در بازار به فروش می رسد. امروز بیشترین کار های تحقیقی مستقل در کشورهای جهان را کارشناسان و روشنفکرانی انجام می دهند که مستخدم هیچ دستگاهی نیستند. از جانب دیگر اسلوب های تحقیقی را می توان فراگرفت و پروژه های مورد نظر را بر اساس آن اکمال نمود. در حالی که تحقیقات میدانی، مستلزم حضور در محل است، تحقیقات نظری در مورد افغانستان را می توان از طریق ترجمه نیز انتقال داد. از دهه 60 میلادی به این سو، آثار تحقیقی بسیار معتبری در عرصه های مختلف حیات اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و تاریخی افغانستان تألیف شده اند. در همین 13 سال اخیر، قطع نظر از ملیارد ها صفحه بی که به نام تحقیق سیاه شده اند، کار های ارزشمند تحقیقی توسط دانشمندان خارجی انجام یافته اند. اهمیت ترجمه این آثار به زبان های مروج کشور توسط خود افغان ها کمتر از اصل تحقیق نیست.

هیئت تحریر گفتمان، اهداف و اصول رهنمایش را با همه ناتوانیها و کوتاهیهای که در کارش وجود داشت، به مخاطبان ارجمندهش بیان کرد. اندک کارهایی را که این جمع انگشت شمار و سالمند می توانست انجام دهد، تاکنون با اخلاص و فروتنی به حضور خوانندگان تقدیم نموده است. دسترسی ما به امکانات تحقیقی همانقدر بوده است که به استحضار رساندیم. ما خود را بختیار می یابیم هرگاه اندیشه و روان دانشمند ما، آدرس این وبسایت را به مثابه کانون همکاریهای علمی

و تحقیقی پذیرفته و همکاری های داوطلبانه شان را در جهت غنا بخشیدن به امر
مشترکی اعلام فرمایند که در پیشرو داریم.

هنیت تحریر گفتمان دموکراسی برای افغانستان

20 سپتمبر 2014 میلادی